

تأثیر مؤلفه‌های واژگانی بر میزان صراحت یا پوشیده‌گویی در متون مطبوعاتی

زهرا حامدی شیروان^۱، شهلا شریفی^۲

چکیده

اهمیت و نقش چشمگیر گفتمان رسانه‌ها به‌طور عام و مطبوعات به‌طور خاص بر آگاهی‌بخشی و همچنین جهت‌دهی و شکل‌دهی به افکار عمومی بر کسب پوشیده نیست. در فصل دوم قانون مطبوعات که به رسالت مطبوعات مربوط است، یکی از آن رسالت‌ها عبارت است از «روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم». در این مقاله به بررسی میزان آگاهی‌بخشی، صراحت در بیان یا بالعکس پوشیده‌گویی در پاره‌ای از متون مطبوعاتی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف پرداخته شده است. ساختارهای گفتمان‌مدار این متون عبارت‌اند از: نام‌گذاری و ارجاع، استعاره، کنایه و مجاز. بررسی داده‌های نوشتار حاضر حاکی از این مطلب است که کاربرد سه مؤلفه استعاره، کنایه و مجاز در متون، به صراحت نداشتن و پوشیده‌گویی می‌انجامد. مؤلفه نام‌گذاری و ارجاع با توجه به نحوه کاربرد می‌تواند منجر به صراحت یا بالعکس پوشیده‌گویی شود و اینکه روزنامه‌ها بر اساس دیدگاه‌ها، ایدئولوژی‌ها و اهداف مورد نظر خود، به توصیف رویداد پرداخته‌اند.

واژه‌های کلیدی

تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف، رسانه‌ها، صراحت، ابهام

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۴

hamedishirvan@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

sh_sharifi@um.ac.ir

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

❖ مقدمه

یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که افراد می‌توانند برای بیان دیدگاه‌ها، ایدئولوژی‌ها و طرز فکر خود به‌کار گیرند، گفتمان است و در این خصوص نقش چشم‌گیر گفتمان مطبوعات در شکل‌دهی و جهت‌دهی به افکار عمومی انکارناپذیر است. بنابراین متون رسانه‌های جمعی و به‌ویژه روزنامه‌ها همواره برای تحلیلگران جالب و مورد توجه آنها بوده است. در تحلیل این متون معمولاً آنچه نویسنده نخواست یا نتوانسته به‌طور مستقیم و به صراحت بیان کند، بیشتر مورد نظر تحلیلگر است. این به‌ظاهر ناگفته‌ها از طرق مختلفی مانند بررسی واژگان یک متن و معانی آنها، دلالت‌های ضمنی واژگان و عبارات، بررسی مؤلفه‌هایی چون استعاره، کنایه، مجاز، حسن‌تعبیر و سوء‌تعبیر و ساختار جمله‌ها و مؤلفه‌های نحوی مختلف می‌توانند آشکار شوند.

متون، نتایج و عواقب متعددی دارند. آنها می‌توانند نگرش، عقاید یا کردار و رفتار افراد را تغییر دهند. بنابراین متون مختلف روزنامه‌ها اعم از مقاله، سرمقاله، عناوین، گزارش‌های خبری، مصاحبه، گفتگوها و غیره می‌توانند نقش مهم و مؤثری در تغییر یا تثبیت نگرش‌ها، عقاید، رفتار و کردار افراد جامعه داشته باشند. چراکه در زندگی روزمره و به‌ویژه در رویدادهای مهم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره، یکی از مهم‌ترین منابعی که افراد جامعه برای کسب اطلاع و آگاهی به آن مراجعه می‌کنند مطبوعات است. بدین ترتیب می‌توان گفت در تحلیل گفتمان یکی از مهم‌ترین انواع گفتمان‌ها، به‌علت برخورد اقشار متعدد و متنوع جامعه با آن، گفتمان مطبوعات است. می‌توان گفت هر نویسنده‌ای با کاربرد گفتمان یا گفتمان‌های خاصی، علاوه بر اینکه دیدگاه‌ها و نظرهای خود را ارائه می‌دهد، در شکل‌دهی ایدئولوژی‌ها و طرز فکر مخاطبان خود نیز نقش بسزایی دارد.

مسئله اصلی مورد نظر در این مقاله این است که با توجه به اینکه در متون سیاسی

مطبوعاتی معاصر یک موضوع واحد از سوی نویسندگان مختلف (در روزنامه‌های متفاوت)، به شیوه‌های متفاوتی بیان می‌شود، دریا بیم این تفاوت‌ها به لحاظ واژگان و ساختارهای زبانی چیست، با چه اهداف و نگرش‌هایی همراه هستند و چه پیام‌هایی را منتقل می‌کنند. موضوع مورد بررسی در این نوشتار، چگونگی باز نمود استیضاح عطا الله مهاجرانی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی در روزنامه‌های دو گروه متقابل، در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی است.

انگیزه

در این نوشتار از چهار مؤلفه^۱ «نام‌گذاری و ارجاع»،^۲ استعاره،^۳ کنایه^۴ و مجاز^۵ مطرح شده در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۹۵، الف و ب) بهره گرفته شده است تا تأثیر به کارگیری این مؤلفه‌ها در میزان صراحت یا پوشیده‌گویی متون مطبوعاتی نشان داده شود.

در میان تعاریف فراوان و مختلف و گاه متضادی که در مورد گفتمان توسط صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف بیان شده، باربارا جانستون (۲۰۰۸) یک تقسیم‌بندی دوگانه در مورد معنای واژه گفتمان ارائه داده است که با مفهوم گفتمان مدنظر در این مقاله نیز سازگاری دارد. او می‌گوید: گفتمان به عنوان یک اسم غیرقابل شمارش به معنی «نمودهای عینی و واقعی کنش ارتباطی با به کارگیری ابزار زبان» است و گفتمان به صورت یک اسم قابل شمارش به معنای «روش‌های خاص سخن گفتن که منعکس‌کننده طرز فکرهای خاص هستند و همچنین خود نیز آن طرز فکرها را شکل می‌دهند» است (Johnstone, 2008: 2).

در دهه ۷۰ میلادی شاهد صورتی از تحلیل گفتمان و متن بودیم که به نقش زبان

1. Naming and Reference
2. Metaphor
3. Irony
4. Metonymy

در سازمان‌دهی روابط قدرت در جامعه توجه داشت و به آن آگاه بود. در این نوع تحلیل که همان تحلیل گفتمان انتقادی است به متون، تولید و تفسیر آنها و رابطه آنها با ساختارها و حرکت‌های اجتماعی توجه می‌شود (Wodak, 2001: 5).

تحلیلگران گفتمان انتقادی معتقدند در تحلیل گفتمان انتقادی همواره یک نظریه اجتماعی باید با یک نظریه زبانی همراه باشد. آنها می‌گویند تحلیل جزئیات متون باید همیشه در ارتباط با جامعه بزرگ‌تر نگریده شود و باید تحلیل ساختار درونی متون را درون یک نظریه اجتماعی قرار داد:

برای توسعه صورتی از تحلیل گفتمان که به تحلیل‌های فرهنگی و اجتماعی کمک کند، نگرش‌های مهم در مورد ماهیت اجتماعی زبان و چگونگی عملکرد زبان در جوامع معاصر باید با سنت‌های تجزیه و تحلیل متنی ترکیب شوند تا به صورت کاربردی درآیند و برای تحلیل نمونه‌های خاص، قابل استفاده باشند. تحلیل گفتمان انتقادی تلاشی برای بهبود این نظریه‌ها است (Fairclough, 1995a: 53-54).

جانستون معتقد است: ایده نظری کنترل‌کننده در پس تحلیل گفتمان انتقادی این است که متون از مهم‌ترین راه‌هایی هستند که ایدئولوژی توسط آنها جریان می‌یابد و بازتولید می‌شود که خود این متون برای تولید، گردش و دریافت خود، درون یکسری سازوکارهای گفتمانی قرار دارند و این سازوکارهای گفتمانی هم باز درون یکسری سازوکارهای اجتماعی قرار دارند. هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که کشف کند گفتمان و ایدئولوژی چگونه به هم مربوط هستند و در هم تنیده شده‌اند (2008: 53).

پیشینه

تحلیل گفتمان، یک رویکرد بینارشته‌ای و بسیار گسترده و نامحدود است و در دهه اخیر در بسیاری از رشته‌ها از جمله زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی،

علوم ارتباطات، آموزش زبان و غیره، پژوهش‌هایی متنوع از پایان‌نامه دکتری و کارشناسی ارشد تا مقاله‌ها و طرح‌های پژوهشی در این حوزه انجام گرفته است که به تحلیل انواع مختلفی از متون (گفتاری و نوشتاری)، همانند تحلیل گفتمان متون حقوقی، خبر، داستان‌های کودکان و بزرگسالان، اشعار و آثار ادبی مختلف، کتاب‌های درسی مقاطع مختلف، زبان مقاله‌های علمی و ادبی، تبلیغات رسانه‌های مختلف و بسیاری از مطالب دیگر پرداخته‌اند. لذا این قسمت به تعدادی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه زبان‌شناسی که به تحلیل گفتمان متون مطبوعاتی پرداخته‌اند، محدود می‌شود.

پژوهش خسروی‌نیک (۲۰۰۰) تحت عنوان «رابطه بین ساختارهای گفتمانی و ساختارهای ایدئولوژیک در تعدادی از روزنامه‌های ایران» از پژوهش‌های این حوزه است. چارچوب نظری و رویکرد این پژوهش از دو کتاب *زبان به عنوان ایدئولوژی*^۱ و *زبان اخبار*^۲ الهام گرفته شده است. در این تحقیق دو موضوع، یعنی حادثه کوی دانشگاه تهران و بازداشت شهردار تهران در متون روزنامه‌ها بررسی و تحلیل شده است.

پژوهشی دیگر در این زمینه تحت عنوان *بازنمایی کارگزاران اجتماعی در گفتمان‌های فارسی، بریتانیایی و آمریکایی* انجام گرفته است. در این پژوهش گزیده‌هایی از روزنامه‌های فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان (در آمریکا و انگلیس) در باب منازعه‌های فلسطین و اسرائیل با به‌کارگیری مؤلفه‌های گفتمانی ون لیوون (۱۹۹۶) تجزیه و تحلیل شده‌اند (Seif, 2004).

از دیگر پژوهش‌های انجام شده می‌توان به پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «سخن‌کاوی نقادانه از سرمقالات فارسی زبان بعد از جنگ تحمیلی» که در دانشگاه اصفهان انجام شده، اشاره کرد. در این پژوهش به رابطه بین زبان و ایدئولوژی و نحوه نمود ایدئولوژی از طریق زبان و اینکه چگونه می‌توان با استفاده از ابزارهای زبانی و با ارجاع به بافت‌های اجتماعی - تاریخی،

1. Hodge, R and Kress, G (1979). *language as Ideology*, Routledge: London

2. Fowler, R (1991). *language in the news* : Discourse and Ideology in the Press , Routledge: London.

ایدئولوژی را در زبان نشان داد پرداخته شده است (حسین زاده، ۱۳۸۰).

پژوهشی دیگر نیز تحت عنوان تحلیل گفتمان انتقادی جریان ایدئولوژی در فراز و فرود گفتمان انقلاب اسلامی در مطبوعات ایران ارائه شده که به تجزیه و تحلیل برخی از متون خبری مطبوعات ایران با راهکارهای ارائه شده در تحلیل انتقادی گفتمان پرداخته است (عواطف رستمی، ۱۳۸۶).

غیاثیان (۱۳۸۶) نیز پایان نامه دکتری خود را تحت عنوان «بازنمایی اسلام در نشریات آمریکا و انگلیس قبل و بعد از یازدهم سپتامبر در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی» به تحلیل گفتمان اختصاص داده است. در این رساله با در نظر گرفتن حادثه یازدهم سپتامبر به عنوان مبدأ زمانی، بازنمایی اسلام در دو دوره زمانی شش ماهه - قبل و بعد از این حادثه - در دو روزنامه انگلیسی گاردین و دیلی تلگراف و دو مجله آمریکایی تایم و نیوزویک بررسی و نقش مطبوعات در به تصویر کشیدن مسلمانان نشان داده شده است.

رحیمی (۲۰۰۵) نیز در رساله دکتری خود به بررسی حسن تعبیر و سوء تعبیر در متون رسانه‌ای مختلف از مجله‌ها گرفته تا برنامه‌های رادیویی و پست‌های الکترونیکی پرداخته است. داده‌های او نمونه‌هایی از مجله انگلیسی اکونومیست، روزنامه‌های انگلیسی زبان در ایران شامل تهران تایمز و ایران نیوز، برنامه رادیویی بررسی رادیوهای بیگانه، فیلم شوکران و همچنین تعدادی از پست‌های الکترونیکی است. او این نمونه‌ها را با بهره‌گیری از الگوی ون دایک، تحلیل کرده است.

ایزدی و دیگران (۱۳۸۷) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل گفتمان سرمقاله‌های برجسته آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران» به تحلیل گفتمان مطبوعات آمریکا پرداخته‌اند. در این پژوهش مطالب روزنامه‌های نیویورک تایمز، واشنگتن پست و وال استریت ژورنال از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴ درباره برنامه هسته‌ای ایران و بر اساس مفاهیم شرق شناسانه بررسی شده‌اند.

چارچوب نظری: رویکرد نورمن فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی برای فرکلاف عبارت است از: تحلیل رابطه میان کاربرد عینی زبان و ساختارهای گسترده‌تر فرهنگی اجتماعی. او برای هر رویداد گفتمانی سه جنبه در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از: ۱. متن: متون ممکن است شنیداری^۱ یا نوشتاری باشند و متون شنیداری می‌توانند فقط سمعی باشند (رادیو) یا سمعی بصری باشند (تلویزیون)، ۲. سازوکارهای گفتمانی^۲ و ۳. سازوکارهای اجتماعی^۳ Fairclough, (1995a: 57-62).

تحلیل متنی عبارت است از: شیوه سازمان‌دهی و چگونگی ارتباط این گزاره‌ها به یکدیگر. در واقع تحلیل متن شامل صورت‌های سنی تحلیل زبانی، یعنی تحلیل واژگانی، معنایی و دستوری جمله‌ها و واحدهای کوچک‌تر از آن و تحلیل نظام آوایی و نوشتاری است. همچنین شامل تحلیل نظام متنی فراتر از سطح جمله و دربرگیرنده روش‌هایی می‌شود که از آن طریق جمله‌ها به هم مربوط می‌شوند و مسائلی مانند سازمان‌دهی نوبت‌گیری در مکالمه یا ساختار کلی یک مقاله در یک روزنامه را نیز دربر می‌گیرد. تحلیل متن، هم شامل صورت متن می‌شود و هم محتوای معنایی آن (Ibid: 57-58).

جنبه سازوکار گفتمانی یک رویداد ارتباطی شامل فرایندهای مختلف تولید و مصرف متن می‌شود، در این مرحله است که تحلیل، یک تحلیل گفتمانی می‌شود نه صرفاً تحلیل متنی. تحلیل گفتمان یعنی تحلیل متون هنگامی که آنها در شرایط اجتماعی تولید و مصرف قرار گرفته و به آن مربوط می‌شوند (Richardson, 2007: 41).

فرکلاف همچنین می‌گوید: تحلیل گفتمان انتقادی تمام‌عیار باید شامل تحلیل سازوکار فرهنگی و اجتماعی متن یا جریان‌های فرهنگی و اجتماعی که رویداد اجتماعی بخشی از آن است نیز باشد که این یعنی سازوکار اجتماعی یک رویداد ارتباطی (Ibid: 42).

-
1. Oral
 2. Discursive Practices
 3. Social Practices

فرکلاف در تحلیل خود از مؤلفه‌های مختلفی چون انتخاب واژگان، نام‌گذاری و ارجاع، استعاره، کنایه، مجاز، مؤلفه‌های نحوی، عوامل انسجامی و غیره برای تحلیل متون بهره می‌گیرد که در این نوشتار چهار مؤلفه نام‌گذاری و ارجاع، استعاره، کنایه و مجاز برای تحلیل متون انتخاب شده‌اند.

لازم به ذکر است که در این مقاله تأکید بر جنبه اول - یعنی تحلیل متنی - بیشتر است، البته توضیحاتی پیرامون شرایط اجتماعی تولید و مصرف متون (جنبه دوم) و جریان‌های فرهنگی و اجتماعی که رویداد بخشی از آن است (جنبه سوم) نیز در بخش تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری بیان شده است.

یافته‌ها

داده‌ها

در هر روزنامه‌ای در مورد یک رویداد مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... مطالب متنوعی از قبیل سرمقاله، مقاله، مصاحبه با صاحب‌نظران و افراد آگاه، گزارش، خبر، بیانیه و غیره تهیه می‌شود. در این مقاله از بین مجموعه مطالب متنوع موجود مربوط به استیضاح وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی در روزنامه‌های کثیرالانتشار، به بررسی و تحلیل سرمقاله‌ها و مقاله‌های تحلیلی - خبری صفحه‌های اول و دوم پرداخته شده است که این مطالب عناوین مختلفی از جمله سرمقاله، یادداشت، یادداشت روز، نگاه روز، نکته و ... به خود می‌گیرند.

هنگام بررسی و تحلیل متون مطبوعاتی، سرمقاله‌ها از اهمیت خاصی برخوردارند، چراکه معمولاً توسط سردبیر یا مدیرمسئول روزنامه نوشته شده و بنابراین نمودی از نگاه عمیق‌تر و دیدگاه مالکان و مدیران روزنامه است. به عبارت دیگر سرمقاله‌ها و یادداشت‌ها بیش از دیگر مطالب روزنامه مثل مصاحبه، گزارش، خبر و غیره دیدگاه آن روزنامه را نشان می‌دهند. علاوه بر این، سرمقاله‌ها صرفاً به گزارش یک رویداد نمی‌پردازند، بلکه نوعی قضاوت نیز درباره آن رویداد ارائه می‌دهند.

در این نوشتار ۲۰ متن از روزنامه‌های اصلاح‌طلب^۱ و ۲۰ متن از روزنامه‌های محافظه‌کار تجزیه و تحلیل و بررسی می‌شوند. روزنامه‌های منتخب گروه اصلاح‌طلب: صبح امروز، سلام، خرداد، آریا و روزنامه‌های منتخب گروه محافظه‌کار: کیهان، رسالت، ابرار و قدس هستند. بازه زمانی این رویداد حدود دو هفته است، یعنی از اول اردیبهشت ۱۳۷۸ که طرح استیضاح در مجلس ارائه شد تا روزهای دوازدهم و سیزدهم که استیضاح به پایان رسید. در این میان در روزهای ششم و هفتم اردیبهشت به‌علت تعطیلی تاسوعا و عاشورای حسینی و همچنین روزهای سوم و دهم نیز به‌علت تعطیلی روز جمعه، روزنامه‌ها منتشر نشده‌اند. بنابراین به‌علت کافی نبودن تعداد سرمقاله‌ها به‌خصوص در روزنامه‌های محافظه‌کار تعدادی از داده‌ها نیز از میان مقاله‌های تحلیلی - خبری صفحه‌های سیاسی روزنامه‌ها گزینش شدند که این مقاله‌ها نیز تقریباً ساختاری همانند سرمقاله‌ها داشته و علاوه بر گزارش به قضاوت در این مورد نیز پرداخته‌اند.

مؤلفه‌های مورد استفاده

۱. نام‌گذاری و ارجاع: نحوه نام‌گذاری افراد در گفتمان می‌تواند تأثیر مهمی بر طرز نگرش به آنها داشته باشد. همگی ما به‌طور هم‌زمان دارای مجموعه‌ای از هویت‌ها، نقش‌ها و خصوصیات هستیم که می‌توانند برای توصیف دقیق ما به‌کار روند، در حالی که معانی متفاوتی دارند. طرز نام‌گذاری کارگزاران اجتماعی، نه تنها مشخص‌کننده گروهی است که افراد عضو هستند (حداقل گروه‌هایی که نویسنده / گوینده عمداً می‌خواهد عضو آنها باشد)، بلکه رابطه بین فرد نام‌گذارنده و نام‌گذاری شده را نیز مشخص می‌کند (Richardson, 2007: 49).

۱. لازم به ذکر است واژه‌هایی مثل راست و چپ یا همان محافظه‌کار و اصلاح‌طلب، معنا و مفهوم واقعی احزاب و جناح‌های سیاسی کشور را به‌طور کامل نمی‌رسانند؛ اما به‌دلیل مرسوم شدن این واژه‌ها، در طول این مقاله به‌کار می‌روند.

روزنامه‌نگاران باید برای افراد در رویدادی که گزارش می‌کنند، نامی ارائه دهند و این نام‌گذاری همیشه مشتمل بر انتخاب است. مسلماً با ترجیح یک مقوله اجتماعی بر مقوله‌ای دیگر، آنها افراد را در یک گروه قرار داده و از گروه‌های دیگر خارج می‌کنند یا می‌خواهند یک گروه اجتماعی را در میان دیگر گروه‌های یکسان قابل‌جایگزینی، در مرکز توجه قرار دهند. رزیگل و وداک (۲۰۰۱) این انتخاب‌های نام‌گذاری را «استراتژی‌ها یا راهکارهای ارجاعی متن»^۱ نامیده و بیان کرده‌اند که انتخاب اینکه یک شخص یا گروه را با عبارت خاصی توصیف کنیم، می‌تواند اهداف سیاسی، اجتماعی و روان‌شناختی متفاوتی را دنبال کند.

راهکارهای ارجاعی انتخاب‌شده، نقش مهمی در متن ایفا می‌کنند. آنها نه تنها معنا و ارزش‌های اجتماعی خاصی را به مرجوع^۲ نسبت می‌دهند، بلکه نوعی انسجام بین توصیف یک کارگزار اجتماعی با دیگر کارگزاران اجتماعی که توصیف شده و مورد ارجاع قرار گرفته‌اند به وجود می‌آورند. در این نوشتار، موارد ارجاعی صریح و مبهم و اشاره‌های مستقیم و غیرمستقیم به نام افراد یا گروه‌ها بررسی می‌شوند.

۲. استعاره: یکی دیگر از تکنیک‌های به کار رفته در متون، استعاره است. استعاره عبارت است از: درک چیزی توسط چیز دیگر. انواع مختلف استعاره به ژانرهای خاص روزنامه‌نگاری مربوط است. برای مثال، استعاره‌های جنگی (اصطلاحاتی چون حمله و دفاع) در گزارش‌های ورزشی به وفور به کار می‌روند (Richardson, 2007: 47-66).

فرکلاف معتقد است:

پیشتر استعاره فقط به‌عنوان یک ویژگی زبان ادبی و مخصوصاً شعر در نظر گرفته می‌شد که با دیگر صورت‌های زبانی رابطه اندکی داشت. اما مطالعات اخیر در زمینه استعاره این دیدگاه سنتی را رد کرده و بیان می‌دارند که استعاره

1. Text's Referential Strategies

2. Referent

در تمامی انواع زبان و گفتمان حتی در گفتمان‌های علمی یا تکنیکی که انتظار وجود استعاره در آنها بسیار اندک است وجود دارد. علاوه بر این استعاره فقط یک آرایهٔ سبکی سطحی زبان نیست؛ بلکه هنگامی که ما موضوعی را با کاربرد یک استعاره و نه دیگری به تصویر کشیده و بیان می‌کنیم، واقعیت را به همان روش و نه روشی دیگر می‌سازیم. استعاره‌ها طرز فکر، شیوهٔ عمل و نظام‌های دانش و عقیدهٔ ما را به طریقی کاملاً اساسی و فراگیر می‌سازند (1992: 195).

۳. کنایه: دستورهای سنتی، کنایه را این چنین تعریف می‌کنند: گفتن چیزی در حالی که منظور مورد نظر چیزی دیگر است. ولی چنین تعریفی کارایی لازم را ندارد؛ چراکه نکته‌ای مهم را از قلم انداخته است، اینکه یک عبارت کنایه‌آمیز، انعکاسی از سخن و گفتهٔ شخص دیگری است. برای مثال فرض کنید شخصی به دوستش بگوید: «امروز چه روز خوبی برای گردش و تفریح است»، سپس آنها به گردش رفته، ولی ناگهان باران می‌بارد، نفر دوم می‌گوید: «امروز چه روز خوبی برای گردش و تفریح است»، یعنی گفتهٔ دوستش را عیناً تکرار می‌کند، ولی بین معنا و منظور مورد نظر او و دوستش کاملاً تفاوت وجود دارد. نقش اصلی گفتهٔ او این است که نوعی دیدگاه و نگرش منفی نسبت به گفتهٔ دوستش یا خود او - مثل خشم، نیش و کنایه و طعنه یا هر چیز دیگری - ابراز کند (Ibid: 123).

۴. مجاز: نوعی جایگزینی است که در آن یکی از اجزای درون چیزی، به جای آن قرار داده می‌شود. در واقع نوعی جانشینی که در آن چیزی که به X مربوط و جزئی از آن است، جایگزین خود X شود. در واقع در فرایند مجاز، یک کلمه، عبارت یا شیء جایگزین کلمه، عبارت یا شیء دیگری از یک حوزهٔ معنایی مربوط به آن شود. مجاز متفاوت از استعاره است، استعاره با خصوصیات مشابه سروکار دارد؛ ولی مجاز با رابطه‌ای مستقیم‌تر عمل می‌کند.

از جنبهٔ تحلیل گفتمانی، اهمیت مجاز نه در حضور آن در یک متن، بلکه در روشی که به کار برده می‌شود نهفته است. اغلب مجازها به این دلیل به کار می‌روند که عواملان مسئول، ناشناخته‌اند. به عبارت دیگر، مجاز، گوینده یا نویسنده را قادر می‌سازد تا عواملان

مسئول، متأثر یا شرکت‌کننده را ناپدید کرده یا آنها را در پشت پرده نگه دارد (Richardson, 2007: 67-68).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

چهار مؤلفه مذکور به‌دقت توسط نویسندگان در تمامی متون، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند که به‌علت کثرت تعداد متون و مثال‌ها فقط تعدادی از آنها برای نمونه بیان می‌شوند.

بررسی نام‌گذاری و ارجاع در متون

در این بخش سعی می‌شود تفاوت یا شباهت در نام‌گذاری و ارجاع با جداولی نشان داده شود.

جدول ۱. نمونه‌هایی از موارد ارجاعی غیرصریح و دارای ابهام در متون دو گروه

روزنامه‌ها	واژه‌ها و عبارات‌های مبهم به‌کار رفته
گروه اصلاح‌طلب	عناصری در جامعه، یکی از سخنرانان، برخی از نمایندگان مجلس، فلان نماینده با مدرک دیپلمه، جناح خاص، کسانی که تمام هم و غم خود را متوجه مبارزه با کف زدن جوانان کرده‌اند، طراحان استیضاح
گروه محافظه‌کار	جناح خاص، گروهی از شخصیت‌های سیاسی و اصحاب مطبوعات، برخی از شخصیت‌های سیاسی، گروهی از مطبوعات، برخی از چهره‌های شاخص جناحی، مرده‌های فرهنگی و سیاسی و عناصر مطرود، برخی از متخلفان مالی و سوءاستفاده‌کنندگان از بیت‌المال، برخی از بزرگان نسل سومی، جریان فکری استحاله‌طلب مطبوعات نسل سومی، برخی از مطبوعات، برخی از روزنامه‌ها،
	فلان عامل بیگانه و فلان گروه وابسته و بدسابقه، بعضی افراد، بعضی از همکاران ایشان، گروه‌های فشار در سطح مطبوعات، بعضی اندیشه‌های کم‌طرف‌دار و بدون پایگاه اجتماعی، اقلیتی ناچیز، مجموعه روزنامه‌های جدیدالتأسیس، جناح سیاسی خاصی، مطبوعات جدیدالتأسیس، این مطبوعات، پاره‌ای از روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، یک روزنامه جدیدالتأسیس، یکی از همین روزنامه‌ها، مطبوعات جدیدالولاده، عده‌ای، گروهی، کانون‌های جدید قدرت‌طلب، روزنامه‌ها و رنگین‌نامه‌های جناح خاص، این دسته از روزنامه‌ها، تقدس‌شکنان، تجدیدنظر طلبان، جبهه پشیمان‌ها، تعدادی از روزنامه‌های تازه‌تأسیس، جریان مخالف با «حق قانونی» نمایندگان، تنی چند از دگراندیشان، برخی از مطبوعات داخلی، معدودی از مطبوعات، برخی از نویسندگان، چند روزنامه داخلی

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میزان عدم صراحت و پوشیده‌گویی از جنبه نام‌گذاری و ارجاع در روزنامه‌های محافظه‌کار به مراتب بسیار بیشتر و چشم‌گیرتر از گروه اصلاح‌طلب است. عبارت‌های دارای عناصر مبهمی چون «کسانی که، عده‌ای، افرادی، برخی از، معدودی، بعضی» به‌وفور در این روزنامه‌ها یافت می‌شود، اکثر عبارت‌های ذکرشده چندین بار (به‌طور متوسط پنج بار و حتی بیش از ۱۰ بار) در متون محافظه‌کار تکرار شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت یکی از مشخصه‌های نثر محافظه‌کاران، احتیاط و محافظه‌کاری در شیوه‌های نام‌گذاری و ارجاع است. حال به واژه‌ها و عبارت‌های صریح و اشاره‌های مستقیم به‌نام افراد و گروه‌ها در روزنامه‌های دو گروه نگاهی می‌اندازیم.

جدول ۲. نمونه‌هایی از موارد ارجاعی صریح و اشاره‌های مستقیم در متون دو گروه

روزنامه‌ها	واژه‌ها و عبارت‌های به‌کار رفته
گروه اصلاح‌طلب	جناح راست، نمایندگان جناح راست، آقای لاریجانی، نمایندگان بافت و آستانه اشرفیه، احمد پیش‌بین نماینده بافت، سخنران پرحرارت اخیر مجلس (زادسر)، نمایندگان محافظه‌کار، جناح محافظه‌کار مجلس، محافظه‌کاران، نمایندگان استیضاح‌کننده وابسته به جناح اکثریت مجلس، نمایندگان جناح اکثریت، نمایندگان راست‌گرای مجلس شورای اسلامی، مسئول صدا و سیما، صدا و سیما، آموزش و پرورش
گروه محافظه‌کار	تشکیلاتی که آقای مهاجرانی به آن منتسب است (کارگزاران)، حزب کارگزاران سازندگی، کریاسچی، جناح چپ، جبهه مشارکت اسلامی

عبارت «جناح راست» و ترکیب‌هایش و همچنین عبارت‌هایی چون محافظه‌کاران و ترکیب‌هایش، در تمامی متون اصلاح‌طلب به‌وفور مشاهده می‌شود، حتی در یک پاراگراف چندین بار تکرار شده است؛ در حالی که در مقابل عبارت‌های «جناح چپ» و «جبهه مشارکت اسلامی» فقط یک‌بار در متون محافظه‌کاران (قدس، ۷۸/۲/۵) به‌کار رفته‌اند و در هنگام اشاره به جناح مقابل از عبارت‌هایی مبهم چون «جناح خاص» و ... استفاده می‌کنند. در این مورد صراحت روزنامه‌های اصلاح‌طلب بسیار چشم‌گیرتر است و از آنجا که معمولاً گروه قدرتمندتر، صریح‌تر و شدیدتر سخن می‌گوید می‌توان گفت

در آن مقطع زمانی، قدرت اصلاح‌طلبان حداقل در عرصه مطبوعات بیشتر بوده است. همچنین مشاهده می‌شود در مقابل صراحت اصلاح‌طلبان در اشاره به نهادها و گروه‌هایی چون صدا و سیما، آموزش و پرورش و اشاره مستقیم به نام افراد، محافظه‌کاران فقط در یک مقاله به «کرباسچی، جناح چپ و جبهه مشارکت اسلامی» اشاره کرده‌اند و در دو مقاله به حزب کارگزاران اشاره شده است.

بررسی استعاره در متون

همان‌طور که پیشتر نیز بیان شد استعاره، کاربرد واژه‌هایی از یک حوزه برای توصیف مفاهیم در حوزه‌ای دیگر و همچنین یکی از راه‌های دست‌کاری و تغییر واقعیت است، چراکه با کاربرد استعاره، نویسنده می‌تواند اثر سازنده خود را بر واقعیت پنهان کند. علاوه بر این می‌توان گفت نویسنده در مواردی از استعاره استفاده می‌کند که نخواستہ یا نتوانسته است سخن خود را به‌طور مستقیم بگوید. مثلاً در عبارت استعاری «مرهمی بر زخم فرهنگ» (کیهان، ۷۸/۲/۲)، منظور نویسنده از مرهم، استیضاح است و از آنجا که مرهم چیز مفیدی برای زخم است، پس، از دیدگاه نویسنده، استیضاح مفید بوده و با آن موافق است، ولی با کاربرد این استعاره، موافقت خود را غیرمستقیم و پوشیده‌تر بیان کرده است. استعاره به پوشیده‌گویی و عدم صراحت کمک می‌کند. در غالب موارد استعاره‌ها بار معنایی منفی دارند. در اینجا به بررسی استعاره‌های به‌کاررفته در متون منتخب پرداخته می‌شود اما به‌علت فراوانی داده‌ها فقط به چند مثال اکتفا می‌شود:

روزنامه صبح امروز (۷۸/۲/۲): «روز گذشته دو تن از نمایندگان جناح راست در سخنان پیش از دستور خود در مجلس حملات شدیدی را علیه دولت و...»
اصطلاحات حمله و حملات، حمله‌کنندگان، تهاجم، لشگر، بسیج، خاکریز و... که اصطلاحات حوزه جنگ است به‌وفور در متون منتخب هر دو گروه به‌کار رفته‌اند که همگی استعاره بوده و در اشاره به سخنان و عملکرد گروه مقابل به‌کار رفته‌اند و بار معنایی منفی دارند.

روزنامه سلام (۷۸/۲/۵): «این جریان که در پناه موضوع «تهاجم فرهنگی»، توانست تهاجم همه‌جانبه‌ای را علیه وزارت ارشاد سامان دهد و...»

روزنامه خرداد: (۷۸/۲/۴): «... سه تن از نمایندگان مجلس، رئیس‌جمهوری را به‌خاطر وضع وخیم اقتصادی مردم مورد حمله قرار می‌دهند. آن سه تن و سخنران پرحرارت اخیر مجلس (زادسر) که سررشته‌دار تحقیر و تهاجم علیه رئیس‌جمهور شده‌اند...»

در روزنامه‌های گروه محافظه‌کار علاوه بر کاربرد اصطلاحات و تعبیری از حوزه جنگ، اصطلاحاتی از حوزه‌های دیگر نیز به‌کار رفته است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

روزنامه کیهان (۷۸/۲/۲): «متأسفانه آفتی که مدتی است فرهنگ کشور ما را تهدید می‌کند، اسارت در چنگال بازی‌های جناحی است و...» در اینجا از اصطلاح آفت که به حوزه کشاورزی مربوط بوده برای توصیف فرهنگ کشور استفاده شده است.

روزنامه کیهان (۷۸/۲/۲): «بخواییم یا نخواییم فرهنگ جامعه ما با بیماری سختی روبرو شده و معالجه آن فقط با به‌کارگیری طبیبان دلسوز و داروهای مؤثر ممکن است و خارج از این دایره، هر تصمیم مصلحت‌اندیشانه و مسکن‌گونه، بهره‌ای جز وخامت برای حال آن بیمار ندارد.»

همان‌طور که مشاهده می‌شود از واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به پزشکی برای حوزه فرهنگ استفاده شده است. همچنین عنوان این مقاله «مرهمی بر زخم فرهنگ» نیز استعاری است و اصطلاحات پزشکی برای حوزه فرهنگ به‌کار رفته‌اند. لازم به ذکر است که در تمامی این موارد، استعاره به پوشیده‌گویی و عدم صراحت منجر شده است.

روزنامه کیهان (۷۸/۲/۸): «از این سفره تساهل و تسامح، جز غذای مسموم چیزی عاید نشده و اکنون نوبت آن است که برچیده شود ولو اینکه بسیاری از جریان‌ات و محافل، مطبخ این سفره‌خانه را گرم کنند و دریغ است که طبخ این ولنگاری، متولی فرهنگی حکومت اسلامی باشد.»

در اینجا اصطلاحات مربوط به آشپزی برای عرصه فرهنگ کشور و سیاست‌های آن به کار رفته‌اند.

روزنامه رسالت (۷۸/۲/۲): «... و چه وزیر دیگری سکان کشتی توفان زده فرهنگ را به دست گیرد...» اینجا از اصطلاحات مربوط به دریانوردی برای فرهنگ کشور استفاده شده است.

بررسی کنایه در متون

کنایه علاوه بر دارا بودن کارکرد انتقادی و اعتراض‌آمیز، یکی از راه‌های پوشیده‌گویی و بیان غیرمستقیم و غیرصریح نیز است، گرچه در غالب موارد، زبان کنایی، بسیار تند و تیز و کوبنده است. در مواردی که نویسنده نخواست یا نتوانسته به‌طور مستقیم به موضوع یا رویدادی اشاره کند از کنایه بهره برده است، بدین طریق علاوه بر اینکه منظور خود را (حداقل به مخاطب یا مخاطبان خاص مورد نظرش) می‌رساند، به‌طور آشکار نیز چیزی بیان نکرده است. می‌توان گفت در بسیاری از موارد تأثیر سخن غیرمستقیم و کنایی بسیار بیشتر از بیان مستقیم است. در متون هر دو گروه از روزنامه‌ها کاربرد کنایه، عبارت‌های کنایه‌آمیز و طعنه‌آمیز، عبارت‌های عامیانه همراه با کنایه و ضرب‌المثل‌ها که همگی بار معنایی منفی دارند به‌وفور مشاهده می‌شود. می‌توان گفت هر دو گروه از کنایه برای اعتراض و انتقاد از عملکرد و دیدگاه‌های گروه مقابل و حتی به‌سخره گرفتن آن بهره برده‌اند. اگر بخواهیم متون را از نظر میزان کاربرد عبارت‌های کنایی، مقایسه کنیم، نتیجه حاصل از بررسی متون این است که با وجود بهره فراوان هر دو گروه از کنایه، در متون اصلاح‌طلبان نسبت به متون محافظه‌کار از کنایه بیشتر استفاده شده است. از نظر تعداد مقاله‌های دارای لحن کنایی و عبارت‌های کنایه‌آمیز تقریباً تمامی متون اصلاح‌طلبان از کنایه بهره برده‌اند، درحالی که حدوداً نیمی از متون محافظه‌کاران حاوی لحن و عبارات کنایه‌آمیز است. از نظر میزان به‌کارگیری کنایه در یک متن نیز متون اصلاح‌طلبان باز هم پیشی می‌گیرند، چراکه در تعدادی از متون، کنایه و لحن کنایی از همان آغاز مقاله در عنوان شروع شده و تا پایان متن نیز ادامه

دارد، در مقاله‌های دیگر نیز میزان کاربرد عبارت‌های کنایه‌آمیز از متون محافظه‌کاران بیشتر است. در اینجا نیز به‌علت فراوانی داده‌ها به ذکر چند مثال اکتفا می‌شود:

روزنامه صبح امروز (۷۸/۲/۲): «کسانی که تمام هم و غم خود را متوجه مبارزه با کف زدن جوانان کرده‌اند...» نویسنده از لحن کنایه‌آمیز برای اشاره غیرمستقیم به عملکرد گروه مقابل بهره برده است.

روزنامه خرداد، ۷۸/۲/۴: عنوان مقاله: «حل مشکلات اقتصادی کشور با استیضاح وزیر فرهنگ!»: لحن کنایی از عنوان مقاله شروع شده است، نویسنده اشاره به سخنان نمایندگان استیضاح‌کننده دارد. در طول مقاله نیز لحن کنایه‌آمیز ادامه داشته و عبارت‌ها و جمله‌های کنایه‌آمیز فراوان است.

روزنامه سلام (۷۸/۲/۸): عنوان مقاله: «کم‌رنگ شدن ارزش‌ها»: در این مقاله نیز لحن کنایی از عنوان مقاله آغاز شده است. کم‌رنگ شدن ارزش‌ها، از سخنان نمایندگان مطرح‌کننده طرح استیضاح بود که می‌گفتند عملکرد وزارت ارشاد باعث کم‌رنگ شدن ارزش‌ها شده است. در طول مقاله، نویسنده این سخنان را به‌سخره می‌گیرد و به آنها اعتراض می‌کند.

روزنامه آریا (۷۸/۲/۸): «آقای مهاجرانی از آن دسته وزرایی است که کمترین ارتباط را با نمایندگان دارد. زیرمجموعه‌های وزارت ارشاد تنها در مراکز استان، ادارات کل دارد و شرح وظایف مدیرکل ارشاد به‌هیچ‌وجه با منافع نمایندگان در تضاد نیست.» در اینجا سخن نویسنده متضمن این مطلب است که هر گاه امری با منافع نمایندگان در تضاد باشد، به مخالفت با آن برمی‌خیزند.

روزنامه کیهان (۷۸/۲/۲): «وقتی وزیرین بیشترین وجهه همتش، مسائل گروهی و سیاسی باشد...»: کاربرد لحن کنایی و غیرمستقیم در اشاره به عملکرد مهاجرانی و در واقع گروه مقابل.

روزنامه ابرار (۷۸/۲/۴): «مجموعه روزنامه‌های جدیدالتأسیس، مطبوعات جدیدالتأسیس.» در اشاره به روزنامه‌های گروه مقابل، منظور نویسنده این است که این روزنامه‌ها تجربه‌ای نداشته و درواقع آنها را تحقیر می‌کند. اما سخن خود را با کاربرد لحن کنایی غیرمستقیم بیان می‌کند.

روزنامه قدس (۷۸/۲/۱۱): «برخی از کسانی که امروزه به‌عنوان روزنامه‌نگار قدیمی (!) در پشت و حتی روی صحنه برخی مطبوعات تازه تأسیس حضور دارند...» اینجا نیز از لحن کنایی و عدم صراحت استفاده شده است.

روزنامه رسالت (۷۸/۲/۹): «آیا باید بگوئیم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعلاً دغدغه «راه‌اندازی و جان‌دازی» لیبرالیسم و نولرنس در جامعه متصلب!! ایرانی را دارد؟» باز هم لحن کنایی و اشاره غیرمستقیم به عملکرد گروه مقابل مشاهده می‌شود.

کاربرد کنایه در متون، فراوان و چشمگیر است؛ اما همان‌طور که ذکر شد به‌علت فراوانی داده‌ها، از هر روزنامه به ارائه یک مثال اکتفا شد. در اکثر عبارات‌های دارای لحن کنایی مقصود نویسنده بیان اعتراض است که از آنجا که نخواستہ یا نتوانسته است اعتراض خود را به‌طور مستقیم بیان کند، از کنایه بهره گرفته است. حتی در عبارتهایی که نویسنده، فرد یا گروهی را به‌سخره می‌گیرد باز هم قصد بیان اعتراض و انتقاد دارد.

بررسی مجاز در متون

در این بخش مجازهایی بررسی می‌شوند که کارکرد ایدئولوژیک و گفتمان‌مدار دارند، یعنی درواقع نویسنده، آگاهانه و عمدی آنها را به‌کار برده است و حضور یا عدم حضور آنها در متن معنا را تغییر داده و به هدف و مقصود نویسنده کمک می‌کند. برای مثال عبارتهایی چون جناح راست، محافظه‌کاران، اصلاح‌طلبان و... همواره مجاز از تمامی گروه‌ها، تشکل‌ها و افراد منتسب به آنهاست، اما کاربرد آنها در اکثر موارد با هدف و منظور خاصی نیست؛ اما هنگامی که نویسنده در خبر رأی اعتماد از واژه

«مجلس» به جای «نمایندگان مجلس» استفاده می‌کند، در واقع می‌خواهد با کاربرد این مجاز نقش نمایندگان را در این امر کم‌رنگ جلوه دهد.

روزنامه صبح امروز (۷۸/۲/۵): «هنگام نقد استیضاح‌کنندگان می‌توان سیاست‌های دوگانه در کشور را عیان کرد.» در اینجا اصطلاح «سیاست‌ها» در واقع مجاز از سیاست‌مداران است، ولی نویسنده با کاربرد مجاز ترجیح داده است پوشیده‌تر سخن بگوید و نامی از سیاست‌مداران مدنظر خود به میان نیاورد، پس می‌توان گفت مجاز نیز یکی از راه‌های پوشیده سخن‌گویی و عدم صراحت است.

روزنامه صبح امروز (۷۸/۲/۱۲): «مدیریت این پروژه به‌دنبال آن بود که در صورت موفقیت، گام بعدی را به‌گونه‌ای بردارد که ترکیب کنونی جناح‌ها در مجلس ششم شورای اسلامی نیز همچنان باقی بماند.» در این جمله عبارت «مدیریت این پروژه» مجاز از مدیران آن است که باز هم نویسنده ترجیح داده است با کاربرد مجاز، پوشیده‌گویی و از اشاره مستقیم به آنها خودداری کند. می‌توان گفت در بسیاری از موارد، در پوشیده سخن‌گویی نویسنده، مخاطب یا مخاطبان خاصی را در نظر داشته و به‌نوعی می‌داند که آنها پیام او را می‌گیرند و نیازی به صراحت و روشن کردن موضوع برای بقیه مخاطبان نیست.

روزنامه خرداد (۷۸/۲/۴): «ماده دوم، مقابله با مطبوعات است که پروژه سیاسی جناح راست است.» در اینجا هم «پروژه» مجاز از مسئولان و اداره‌کنندگان آن بوده که نویسنده به آنها اشاره‌ای نکرده است و ترجیح داده پوشیده‌گویی کند.

روزنامه سلام (۷۸/۲/۵): «در سال‌های پس از ۶۸ به تدریج یک جریان فکری و فرهنگی در درون برخی نهادهای فرهنگی و مطبوعاتی شکل گرفت که...» در اینجا نیز عبارت «یک جریان فکری و فرهنگی» مجاز از مسئولان و مدیران آن است که باز هم نویسنده با کاربرد مجاز ترجیح داده پوشیده‌گویی کند. عبارت «این جریان» در طول

مقاله به طور مکرر تکرار شده که در همه موارد مجاز است.

روزنامه کیهان (۷۸/۲/۴): «سیاست یک بام و دو هوا، سیاستی است که مردم در عین اینکه از آن رنج می‌برند آن را خوب می‌شناسند.» در اینجا نیز «سیاست یک بام و دو هوا» مجاز از افرادی است که این سیاست را به کار می‌برند، نویسنده غیرمستقیم به مهاجرانی اشاره دارد و منظورش این است که او این سیاست را به کار برده است.

روزنامه کیهان (۷۸/۲/۸): «اصل موضوع بر سر دیدگاه اشتباهی است که از جانب جریان فکری استحاله‌طلب در زیر پوست اصلاح‌طلبی از زبان آقای وزیر ارشاد بیان می‌شود.» عبارت «جریان فکری استحاله‌طلب» مجاز از مسئولان و افرادی است که در آن قرار می‌گیرند.

روزنامه کیهان (۷۸/۲/۸): «... ولو اینکه بسیاری از جریانات و محافل، مطبخ این سفره‌خانه را گرم کنند...» در این جمله نیز «جریانات» مجاز از مسئولان و افرادی است که در آن قرار می‌گیرند.

روزنامه کیهان (۷۸/۲/۱۲): «اما وجود پاره‌ای از ناهنجاری‌ها و حرکت‌های مرموز و تهدیدکننده در عرصه فرهنگ و هنر کشور قابل انکار نیست...»

روزنامه کیهان (۷۸/۲/۱۲): «... نمی‌توانند وجود ناهنجاری‌های خطرآفرین و حرکات مرموز و تهدیدکننده در عرصه فرهنگ و هنر کشور را انکار کنند...»

روزنامه کیهان (۷۸/۲/۱۲): «... از حرکت مرموزی که آشکارا برخی از مبانی انقلاب و نظام را آماج حملات بی‌دری خود قرار داده است، نگران و دلواپس نبود؟» در این جمله‌ها نیز جریان‌ها و ناهنجاری‌ها مجاز از افرادی است که این جریان‌ها را اداره و رهبری می‌کنند.

روزنامه رسالت (۷۸/۲/۵): «وزارت فرهنگ برای یاری رساندن به رئیس دولت نمی‌بایست اجازه دهد عرصه مطبوعات که می‌تواند به مهد آزادی تبدیل شود...» وزارت فرهنگ مجاز از مسئول آن یعنی مهاجرانی است.

روزنامه ابرار(۷۸/۲/۴): «این روزنامه‌ها و قطعاً جریاناتی که پشت سر آنها قرار دارند می‌کوشند که...» «جریانات» مجاز از افراد دخیل در آنهاست که باز هم نویسنده پوشیده‌گویی را ترجیح داده است.

روزنامه ابرار(۷۸/۲/۱۱): «... و با اطلاع از میزان سرمایه‌گذاری جریان جدیدی که از سنگر مطبوعات جدیدالولاده نسبت به انتخابات مجلس ششم انجام داده است...»
روزنامه ابرار(۷۸/۲/۱۱): «... البته شلیک توپخانه تبلیغاتی کانون‌های جدید قدرت‌طلب در کشور همچنان ادامه خواهد داشت...» در اینجا نیز دو عبارت «کانون‌های جدید قدرت‌طلب» و «جریان جدیدی» مجاز از افرادی است که آنها را اداره می‌کنند، اما نویسنده نخواست به آنها اشاره کند و مجاز به کار برده است.

روزنامه قدس(۷۸/۲/۴): «آنچه اکنون در سرلوحه محور تبلیغاتی جریان مخالف با «حق قانونی» نمایندگان قرار گرفته...، به نظر می‌رسد یک حرکت سازمان‌دهی شده و هماهنگ بر علیه «حق قانونی» نمایندگان ملت در حال شکل‌گیری است...» باز هم عبارت‌های «یک حرکت سازمان‌دهی شده و هماهنگ و جریان مخالف با حق قانونی» مجاز از افراد هدایت‌کننده و مسئولان آنهاست.

روزنامه قدس(۷۸/۲/۵): «اما آنچه که بالاخره، جریان ارزشی انقلاب را واداشت تا تهدیدهای خود را عملی سازد...» «جریان ارزشی انقلاب» مجاز از افرادی است که این جریان را هدایت و رهبری می‌کنند.

روزنامه قدس(۷۸/۲/۱۱): «... نمایندگان مقابله با جریان «استحاله فرهنگی» را تمام‌شده تلقی کنند...» «جریان استحاله فرهنگی» نیز مجاز از افراد و گروه‌های مسئول آن است.
در تمامی این موارد مشاهده می‌شود که مجاز به پوشیده‌گویی و عدم صراحت می‌انجامد، یعنی نویسنده در مواردی که نخواست یا نتوانسته به فرد، گروه یا موضوعی اشاره مستقیم کند از مجاز بهره گرفته است.

نتیجه‌گیری

بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتایج به‌دست آمده از این مقاله ارائه می‌شود:

الف. مشاهده شد که میزان عدم صراحت و پوشیده‌گویی از جنبه نام‌گذاری و ارجاع در روزنامه‌های محافظه‌کار به مراتب بسیار بیشتر و چشم‌گیرتر از گروه اصلاح‌طلب است. برای مثال عبارت‌های دارای عناصر مبهمی چون «کسانی که، عده‌ای، افرادی، برخی از، معدودی، بعضی» و غیره به‌وفور در این روزنامه‌ها یافت می‌شود، اکثر عبارت‌های ذکرشده چندین بار (به‌طور متوسط پنج بار و گاهی بیش از ۱۰ بار) در متون محافظه‌کاران تکرار شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت یکی از مشخصه‌های نثر محافظه‌کاران، محافظه‌کاری و ابهام در شیوه‌های نام‌گذاری و ارجاع است. بر عکس در مورد میزان صراحت، روزنامه‌های گروه اصلاح‌طلب نسبت به روزنامه‌های محافظه‌کار بسیار صریح‌تر سخن می‌گویند. برای مثال عبارت «جناح راست» و ترکیب‌هایش و همچنین عبارت‌هایی چون «محافظه‌کاران» و ترکیب‌هایش، در تمامی متون اصلاح‌طلبان به‌وفور مشاهده می‌شود، در حالی که در مقابل عبارت «جناح چپ» فقط یک‌بار در متون محافظه‌کاران به‌کار رفته است. همچنین در مورد اشاره مستقیم به نام افراد و اشخاص نیز گروه اصلاح‌طلب باز هم بسیار صریح‌تر عمل کرده (این مسئله با قدرت بیشتر آنها در دوره فوق مطابقت دارد) و در مقابل، گروه محافظه‌کار، با احتیاط و محافظه‌کارانه عمل کرده‌اند.

ب. در مورد کاربرد استعاره مشاهده شد که گروه محافظه‌کار بیشتر از گروه اصلاح‌طلب از این مؤلفه بهره گرفته بودند و بیشترین حوزه معنایی استفاده‌شده، حوزه جنگ و جدل بود، یعنی هر دو گروه از استعاره‌های جنگی - اصطلاحات حوزه جنگ - برای توصیف گروه مقابل، سخنان و عملکرد آنها بهره برده بودند. بنابراین می‌توان گفت در واقع هر رویداد و موضوعی به‌نوعی به عرصه جنگ و جدال بین این روزنامه‌ها تبدیل می‌شود و نویسندگان با کاربرد استعاره‌هایی که اغلب مربوط به حوزه جنگ

است خود بر این موضوع اذعان دارند و بر آن صحه می‌گذارند. علاوه بر این، کاربرد استعاره به پوشیده‌گویی و عدم صراحت در متون می‌انجامد.

ج. در مورد کاربرد کنایه نیز مشاهده شد که گروه اصلاح‌طلب در میزان استفاده از کنایه و عبارت‌های کنایه‌آمیز بر گروه محافظه‌کار پیشی گرفتند و اکثر کنایه‌ها علاوه بر پوشیده‌گویی و عدم صراحت برای بیان غیرمستقیم اعتراض و انتقاد از گروه مقابل و عملکردشان به‌کار رفته بودند و همگی نیز بار معنایی منفی داشتند.

د. در مورد مؤلفه بعدی یعنی مجاز مشاهده شد که در چهار متن از متون اصلاح‌طلبان و ۹ متن از متون محافظه‌کاران فرایند مجاز به‌کار رفته بود. در همه این موارد، مجاز به پوشیده‌گویی و عدم صراحت می‌انجامد، یعنی نویسنده در مواردی که نخواست یا نتوانسته به فرد، گروه یا موضوعی اشاره مستقیم کند از مجاز بهره‌گرفته است. بنابراین متون محافظه‌کاران در این مورد نیز پوشیده‌گویی و ابهام بیشتری در مقایسه با متون اصلاح‌طلبان دارند.

از دیگر نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در فصل دوم قانون مطبوعات که به رسالت مطبوعات مربوط می‌شود، یکی از رسالت‌هایی که مطبوعات بر عهده دارند عبارت است از: روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم، اما بررسی داده‌های نوشتار حاضر حاکی از این مطلب است که روزنامه‌های دو گروه بیشتر بر اساس دیدگاه‌ها، ایدئولوژی‌ها و اهداف مورد نظر خود، به توصیف یک رویداد پرداخته‌اند.

یکی دیگر از رسالت‌های مطبوعات، تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف در مقابل یکدیگر است. آنچه از تحلیل داده‌های بررسی پیش‌رو به‌دست آمد، این است که در اغلب متون و مطالب، عملکرد روزنامه‌ها در انعکاس رویدادها دقیقاً خلاف این امر است و بر تقسیم‌بندی و قطب‌بندی افراد و

گروه‌ها اصرار ورزیده و آنرا تشدید می‌کنند. استراتژی تقسیم‌بندی گروه‌ها به خودی و غیرخودی و مثبت نشان دادن گروه خودی و منفی نشان دادن گروه مقابل در تمامی متون، واضح و مشخص است.

در نهایت اینکه با توجه به مطالب مذکور کاربرد سه مؤلفه استعاره، کنایه و مجاز در متون به عدم صراحت و پوشیده‌گویی می‌انجامد. مؤلفه نام‌گذاری و ارجاع با توجه به نحوه کاربرد این مؤلفه می‌تواند منجر به صراحت یا بالعکس پوشیده‌گویی شود. همچنین مشاهده شد که متون محافظه‌کاران با کاربرد بیشتر استعاره و مجاز و همچنین موارد ارجاعی مبهم و غیرصریح، نسبت به متون اصلاح‌طلبان بیشتر پوشیده‌گویی کرده و مبهم سخن می‌گویند.



منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ایزدی، سقای بی ریا، حکیمه فؤاد، (۱۳۸۷). «تحلیل گفتمان سرمقاله‌های برجسته آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران». ترجمه سید جمال‌الدین اکبرزاده، فصلنامه رسانه، سال نوزدهم، شماره اول: ۱۲۵ - ۱۰۱.
- حسین‌زاده، زهرا، (۱۳۸۰). «سخن کاوی نقادانه از سرمقالات فارسی‌زبان بعد از جنگ تحمیلی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- غیاثیان، مریم‌سادات، (۱۳۸۶)، «بازنمایی اسلام در نشریات آمریکا قبل و بعد از یازدهم سپتامبر در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- عواطف‌رستمی، نعمت‌الله (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی جریان ایدئولوژی در فراز و فرود گفتمان انقلاب اسلامی در مطبوعات ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

منابع انگلیسی

- Fairclough, Norman, (1992). *Discourse and Social Change*. London: Polity.
- Fairclough, Norman, (1995a). *Media Discourse*. London: Hodder Arnold Publishing
- Fairclough, Norman, (1995b). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman
- Fairclough, Norman, (2001). "Critical Discourse Analysis as a Method in Social Scientific Research". in Wodak, R. and Mayer, M. (ED.), *Methods of Critical Discourse Analysis*: 121 – 139.
- Fairclough, Norman, (2003). *Analyzing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. London: Routledge Publishing
- Johnstone, Barbara, (2008). *Discourse Analysis*. Malden, MA: Blackwell Publishing
- Khosravi – Nik, Majid, (2000). "the Relationship between Ideological Structures and Discursive Structures of the Editorials and Commentaries in a Selected Sample of Iranian Daily Newspapers". M. A Thesis, Shiraz University
- Rahimi, A, (2005). "A Critical Discourse analysis of Euphemisation and Derogation in English and Persian Texts". Unpublished PhD Dissertation, Shiraz University.
- Richardson, John E, (2007). *Analyzing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis*. New York: Palgrave Publishing
- Seif, Lida, (2004). "A Cross – Cultural Investigation of the Representation of Social Actors in Different Persian, British and American Discourse". Unpublished M. A Thesis, Islamic Azad University of Shiraz
- Wodak, Ruth, Michael Mayer, (2001). *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: SAGE Publications Ltd.

- Wodak, Ruth, (2001a). "**The Discourse – Historical Approach**". in Wodak. Ruth and Mayer, Michael. (ed.), *Methods of Critical Discourse Analysis*: 63 – 95.
- Wodak, Ruth, (2001b). "**What is CDA about – a Summary of its History, Important Concepts and its Developments**". in Wodak. Ruth, Mayer. Michael . (ED.), *Methods of Critical Discourse Analysis*: 1 – 13.

